

طالع بین و غیره کساد شده بود؛ مردم کرامت طلب یعنی آنهاییکه، مرض قلندری دارند منتظر مرشدی بودند؛ ترقی و تمدن جدید چشم و گوش مردمرا آن اندازه باز کرده بود که به این گونه ترهات باور نکند. شب پره لازم بود که هم مرغ باشد هم موش. اسلوب مسمر اگرچه نیمه خارق عادت بود ولی نیم دیگرش رنگ و روغن علمی داشت؛ لهذا مخترع این علم یا در هوا توانست صاحب این همه اشتهار شود.

## معارف ایران

### ۱ — دارالتربیه ارومی

در موقعیکه ارومی، آن صفحه دارالنشاط و آن لوحه مظهر بدایع طبیعت گرفتار ضربات متوالیه سیاسات دول متمدن و عرصه محاربات و عملیات خونریزانه ملل انسانیت پرور مجاور و صحنه فجایع جگرسوز محاربه عمومی بین المللی واقع شده و در عوض جویبارها و آبشارهای روح افزا که دست طبیعت مخصوص این ناحیه قرار داده، سیلهای خون جاری بود و بجای گلزارهای طرب انگیز و شقایق متنوعه اجساد کلگون آغشته بخون فرزندانش مصادف نظر شده و بجرم بیطرفی و بتلافی مهماننوازی هدف هزار گونه حوادث و سوانح جانگداز گردیده و آن ناحیه روح افزا مبدل بیک ویرانه مهیب و تل خاکستری گشته و در قصور عالیه آن بجای صوت نشاط و طرب صدای جغد و این بوم شوم طنین انداز و مسکن وحوش و حشرات شده و اهالی آن از دم آن سیل خروشان خلاصی نیافته و با وضعی اسف آور و رقت خیز

نالان و گریان چون سیل سرشت خودشان سر به بیابان گذاشته و متفرق شدند و بسیاری نفوس عزیز در حسرت دیدار شکل نان و اغذیه جان میسپردند. هزاران اطفال صغیر و معصوم از پدر و مادر و دوز از حامی و مربی در میان مزبله‌ها و اتلال خاکستر بیوت محروقه افتاده و با مذلتی بی پایان امر از ایام نموده و جهت تسخین بدن خودشان با سگهای بازاری هم آغوش میشدند. باز با این همه اوضاع شدید احساسات نوع پروری اهالی آن دوچار تعطیل نشده و مردانه با استراحت ایام و اطفال یکس همت گماشته و آنها را در آغوش محبت خویش جا دادند و هر کس بقدر قوه خود یک یا چند نفر از آنها را بخانه خود برده و مثل اولاد عزیز در کلیه وسایل استراحت عایله خود شریک و سهم قرار داده و با همه پریشانی در رفاه آنها کوشیدند و در سنه ۱۳۳۸ با وجود شدت فلاکت جاریه یکباب دارالتربیه مکملی جهت آنها تشکیل و مقداری از اشخاص عاجز از زن و مرد و اطفال یکس از دختر و پسر در آنجا جا دادند که اهالی با همتی بزرگ از قوت لایموت خود و عائله‌شان قناعت نموده جهت مصارف آنها میدادند و این وضع تا سنه ۱۳۳۹ همچنین بر دوام بود که در آنموقع مجدداً ارومی دوچار ضربه سخت تری یعنی استیلای اسمعیل و سایر عشایر گردیده و در اسفل درکات مذلت و فلاکت افتاده و با جسمی زار و مجروح آخرین دقایق عمر فرسوده خود را شمردن گرفت و شهر مزبور یک وضع رقت آوری به خود گرفت که شرح آن موجب تألم و افسردگی هر خاطریست و دو باره کوچه و بازار و خرابه‌ها از اطفال یتیم و عریان و پریشان مملو شده و ناله و اینین آنها در هر طرف طنین انداز شده و عالمی بزاری میانداخت.

در سنه ۱۳۴۰ که از توجهات بی پایان یگانه قائد دانا و نابغه

ایران حضرت اشرف آقای پهلوی در هر گوشه و کنار ایران امنیت کامل مبسوط و اشرار بکلی مخدول و منکوب و متوازی شدند و ارومی هم از زیر پرده‌های مظلّم یأس و نومیدی بیرون آمده و قدم در جاده هستی نهاده و کم کم بخود پرداختن گرفت. اهالی بسابقه احساسات جبلی خودشان با همه ضعف و سفالت باز فکر جمع آوری و رفاه فقرا و ایتم افتادند و در تحت توجهات آقای سطوة السلطنه حکمران ارومی یکباب دارالتربیه بر طرز مدرسه پانسیون با ترتیب صحیح و کاملی تأسیس نموده و مقداری اطفال یتیم را در آنجا قبول نمودند که فعلاً بواسطه مراجعت مهاجرین ارومیه و اولیای بعضی از اطفال از عده آنها کاسته و در کمال فراغ و آسودگی مشغول تدریس و تعلیم میباشند و ممر عایدی دارالتربیه مزبور را با طرز قشنگی تأمین نموده‌اند که باحدی تحمیل نشود و آن عبارت است از وجوهانی که از کلیه محمولات ارومی باطراف از قرار پوطی یکعباسی دریافت مینمایند و دارالتربیه مزبور در تحت مراقبت و مواظبت کمیسیون مرکب از عناصر صالحه و نوع پرور اداره و موافق ترتیبات ذیل رفتار میشود که میتوان گفت بتناسب با دارالتربیه های خارجه سر بسر میگذارد.

اعضای کمیسیون مزبور عبارتست از آقای موسی آقا رئیس التجار و آقای معتمدالوزاره که از عناصر صالحه و از اعضای وزارت امور خارجه و در این اواخر ریاست کمیسیون سرحدیرا عهده دار بود و آقای حسینخان جهانگیری (بیکر بیکی) و آقای شمس الاسلام و آقای حاجی رسول آقا و حاجی مهدی آقا و آقای تمدن مدیر تجارتخانه و مطبعة تمدن که از مبرزین آزادی خواهان ارومی و اقدامات نوع پرورانه و احساسات وطن خواهی ایشان بواسطه امتحانات کاملی که در این مدت داده و خدمات

شایانی که بعالم معارف کرده‌اند، نزد عموم ظاهر و باهر است. ۱ — دارالتربیه مزبور دارای پنج کلاس شبانه روزی میباشد که موافق پروگرام وزارت جلیله معارف اطفال دارالتربیه مشغول تعلم و حسن خط و غیره هستند.

۲ — چند نفر از صاحبان صنایع مختلفه استخدام گردیده که در ساعات معینه اطفال دارالتربیه در نزد آنها مشغول یاد گرفتن انواع حرفت‌های مختلفه میباشند.

۳ — یکدستگاه کارخانه قالی بافی در خود اداره تأسیس و یک نفر هم استاد استخدام شده که چند نفر از اطفال مشغول کار هستند که چند روز قبل ثمره دست رنج خودشان را که عبارت از یکجفت قالیچه اعلا بود، جهة ارائه هنر بمعرض نمایش گذاشتند و چون اهالی بسائقه احساسات نوع پروری در خریداری آنها مسابقه می نمودند، لذا بطرز لاطاری فروخته شد.

۴ — در تحت مواظبت و دستورات یکنفر معلم ماهر در صحن اداره که خیلی وسیع و با نزهت است هر روزه اطفال مشغول اجرای اقسام ورزش و ژیمناستیکهای مختلفه میباشند.

۵ — برای مراعات قواعد حفظ الصحه اطفال و حفظ تنظیفات خوراك و پوشاك و غیره یکنفر طبیب مخصوص (آقای میرزا علی اصغر خان) استخدام شده است که همواره مواظب اجرای لوازم وظیفه خود میباشد.

۶ — علاوه بر آن یکباب مریضخانه عالی با کلیه لوازمات آن با یکباب دواخانه مخصوص در خود اداره تأسیس گردیده است.

۷ — کلیه لوازمات اطفال از حیث خوراك و لباس و سوخت و غیره مرتباً بدون ذره نقصان در کمال مواظبت تأمین و اداره میشود.

۸ — سی نفر هم دختر پیکس که در جزو دارالتربیه هستند



دارالتربیه ارومی

کلیه لوازمات و مساکن آنها از پسرها سوا و مخصوصاً در اجائی  
علیحده مشغول تعلیم علوم خانه داری و خیاطی و قلابدوزی هستند.

۹ — جبهه جلوگیری از نکدی (که حرفت مخصوصی اتخاذ  
شده است) معیشت چندین نفر شخص بی بضاعت و عاجز خارج از  
اجزای اداره از طرف دارالتربیه تأمین میشود.

۱۰ — بواسطه رفع پاره احتیاجات و مراجعت اولیای بعضی  
از اطفال از مهاجرت عده اطفال دارالتربیه تقلیل یافته و فعلاً به  
یکصد و سی نفر رسیده است که سی نفر آن دختر و صد نفر پسر  
است.

۱۱ — کلیه مخارج و عایدات دارالتربیه موافق قواعد صحیحه  
و در دفاتر مخصوصه قید و در آخر هر برج عیناً با شرح کلیه  
جزئیات جبهه اطلاع عموم اهالی طبع و نشر میشود.

۱۲ — در مدت سه سال که دارالتربیه تأسیس شده تا یکسال  
قبل از طرف اهالی اداره میشد که با یک همت مردانه اشتراک می  
کردند، ولی متجاوز از یکسال است که فقط از همین عایدات  
یوطی یکعباسی محمولات اداره میشود.

در روز ۲۲ ماه تیر امتحان سالیانه تحصیلات اطفال دارالتربیه  
اجرا گردید و آقای سرهنگ محمد علی خان فرمان  
ده قوای ازومیه اطفال و هیئت کمیسیون دارالتربیه را خیلی تشویق  
و ترغیب نمودند و مبلغ پنجاه تومان بعنوان اعانه بصندوق دارالتربیه  
کارسازی نمودند و عملیات معارف پرورانه ایشانرا که تا حال ابراز  
نموده اند مخصوصاً تقدیر نموده از خدمات شایان نوع پرورانه آقایان  
اعضای کمیسیون دارالتربیه نیز اظهار تشکر مینمائیم.

ارومی ۱۷ مرداد ابوالقاسم ناهید افشار

## ۲ — مدرسه فردوسی<sup>ع</sup>

جناب آقای پور رضا وکیل سابق مجلس ملی که فعلاً در برلین هستند در باره مدرسه فردوسی چنین نوشته‌اند:

آقای محترم من!

در سنه ۱۳۰۰ شمسی یکمده از جوانان بوشهر تصمیم گرفتند که مدرسه نوری با ترتیبات جدید علمی تأسیس کنند فکر عملی شد و اگر بنده حق داشته باشم تعریف کنم این مؤسسه از حیث پرورش قواء جسمی و روحی شاگردان تا اندازه از عهده بر آمده. آقای مشارالدوله حکومت بوشهر وقتیکه برای دیدن مدرسه آمدند اظهار داشتند: «دبستان فردوسی بهترین مدرسه ابتدائی است که در ایران دیده‌ام» اداره امور مدرسه تا پانزده روز بعد از افتتاح بعهدۀ رئیس معارف وقت آقای میرزا حسن خان ناجی بود. پس از آن تا هنگام مسافرت بنده بطهران بنده مدیر مدرسه بودم. بعد برادرم این خدمت را بعهدۀ گرفت و وقتی که ایشان بطرف شیراز حرکت کردند آقای میرزا احمد کازرونی این وظیفه را بعهدۀ گرفتند. از همه ما بیشتر دوست جوانمرد کم میرزا ابراهیم صدیق در این کار زحمت کشیده. مشارالیه معلم اول مدرسه بود و بواسطه مرض سل و فقر و شدت تعصب در خدمت بمعارف و سیاست مملکت جان خود را قربان کرد و بقراری که معلمین مدرسه به بنده نوشتند در هنگام جان دادن وصیتش راجع بمدرسه بوده و نام مدرسه را تکرار میکرده.

مخارج مدرسه: آنچه را که جهت تهیه اساسیه مدرسه بود نصف را برادرم آقای خلیل بهبهانی و نصف دیگر را بنده دادم. کمک خرج را هم ماهیانه اداره معارف و تجارتخانه آقای میرزا رضا مهدی زاده و برادرم و بنده هر کدام ماهی ده تومان میدادیم.

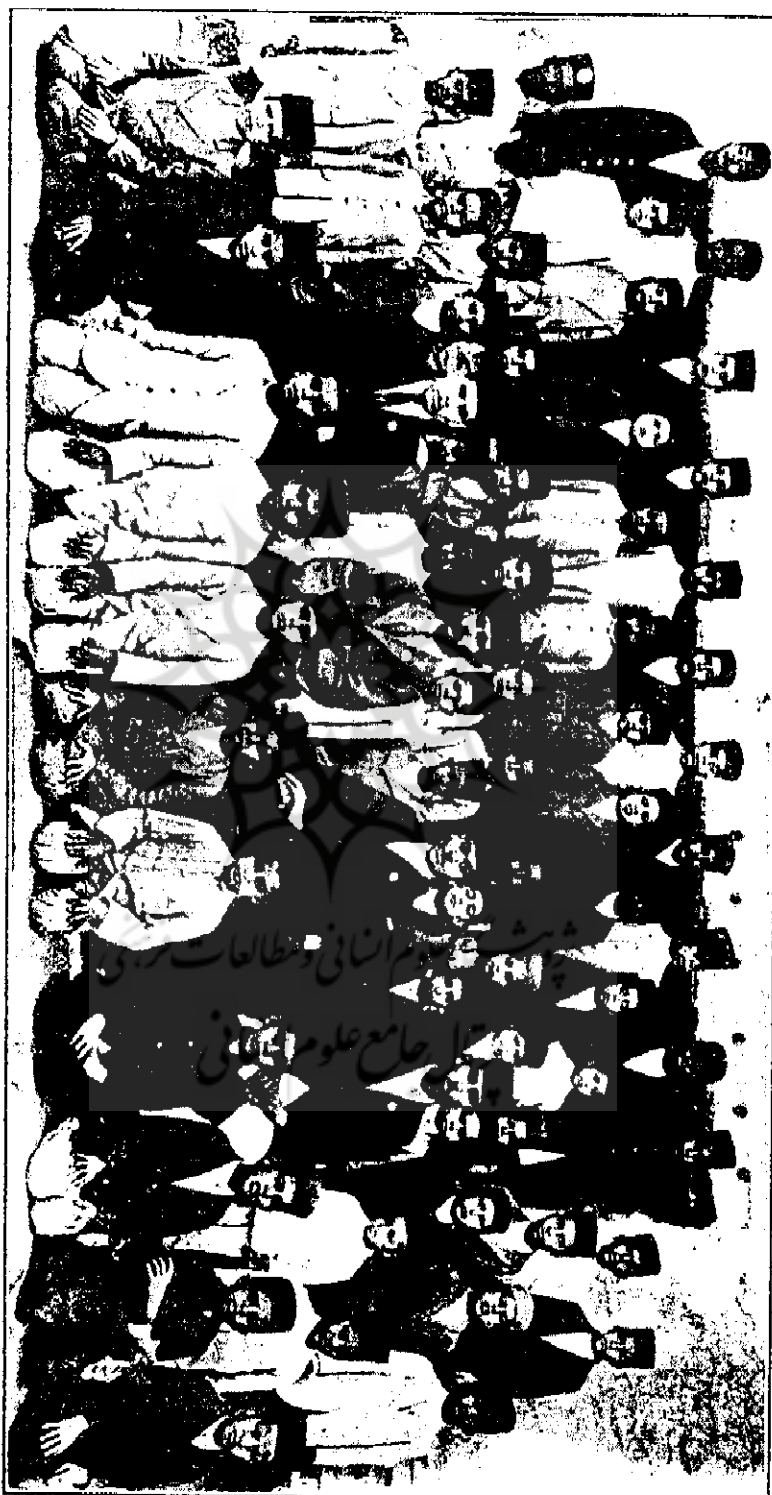
آقای یسین الممالک کارگذار وقت و آقای میرزا عبدالحسین مثلش هر کدام ماهی پنج تومان میدادند. آقای مشارالدوله در مدت حکومت ماهی بیست تومان میدادند و بعد که موجب حکومتی نصف شد ده تومان میدادند. در حساب پدزم ماهی سه تومان می گرفتیم. بعدها آقای میرزا احمد کازرونی ماهی پنج تومان (یا سه تومان درست خاطر نیست) میدادند و یکمده از اشخاص با همت



جناب آقای میرزا احمد کازرونی مدیر مدرسه  
فردوسی و وکیل با همت ایران شهر

دیگر ماهانه یا غیر آن بصندوق مدرسه کمک میکردند. تا وقتی که بنده در بوشهر بودم آقای خلیل بهبهانی بیش از هر کس بمدرسه کمک مالی کرده بودند. اکنون که مخارج مدرسه را یکمده از اشخاص و مؤسسات خیریه و غیره میدهند که آقای میرزا احمد در ضمن مرقومه خود که بنظر مبارك رسیده به آن اشاره کرده اند. خود بنده پس از حرکت از بوشهر بد بختانه توانسته ام چیزی به مدرسه کمک کنم.





دبستان قزوینی بو شهر

آقای ایران پور ناظم مدرسه نیز در ضمن کاغذ خودشان چنین نوشته اند:

«روح انتظامات دبستان بعینه مثل سابق اروپائی است و حتی القوه سعی میشود که شاگردان مانند افراد ملت آنگلو ساکسون تربیت شوند و قسمتی از نظامنامه داخلی را درینجا ذکر میکنم:  
قسمتی از نظامنامه داخلی دبستان ملی فردوسی بوشهر

باید معلمین در آخر هر هفته دفتر کلاس خود را بابت هفته گذشته و هفته نو مرتب کنند.

در جلسه هائیکه هفته ای یک مرتبه منعقد میشود معلمین در باب کارهای کلاس خود با هم مشوره و تبادل فکر میکنند و ناظم، قانون مدرسه را برای آنها شرح میدهد.

معلمین باید بطور آرامی تدریس کنند، بطور آرامی با شاگردان سلوک نمایند، و همچنین باید مواظبت کامل کنند که محصلین در کلاس راست و بقاعده بنشینند، در کلاس زیاده از لزوم حرف نزنند، خارج از موضوع مطلبی نپرسند و مزاح نکنند.

معلمین و کارکنان دبستان باید در اوقات مدرسه همیشه کلاه سیاه ایرانی و لباس معمولی مدرسه و کفش پاشنه دار و پاشنه نخوایده پوشند.

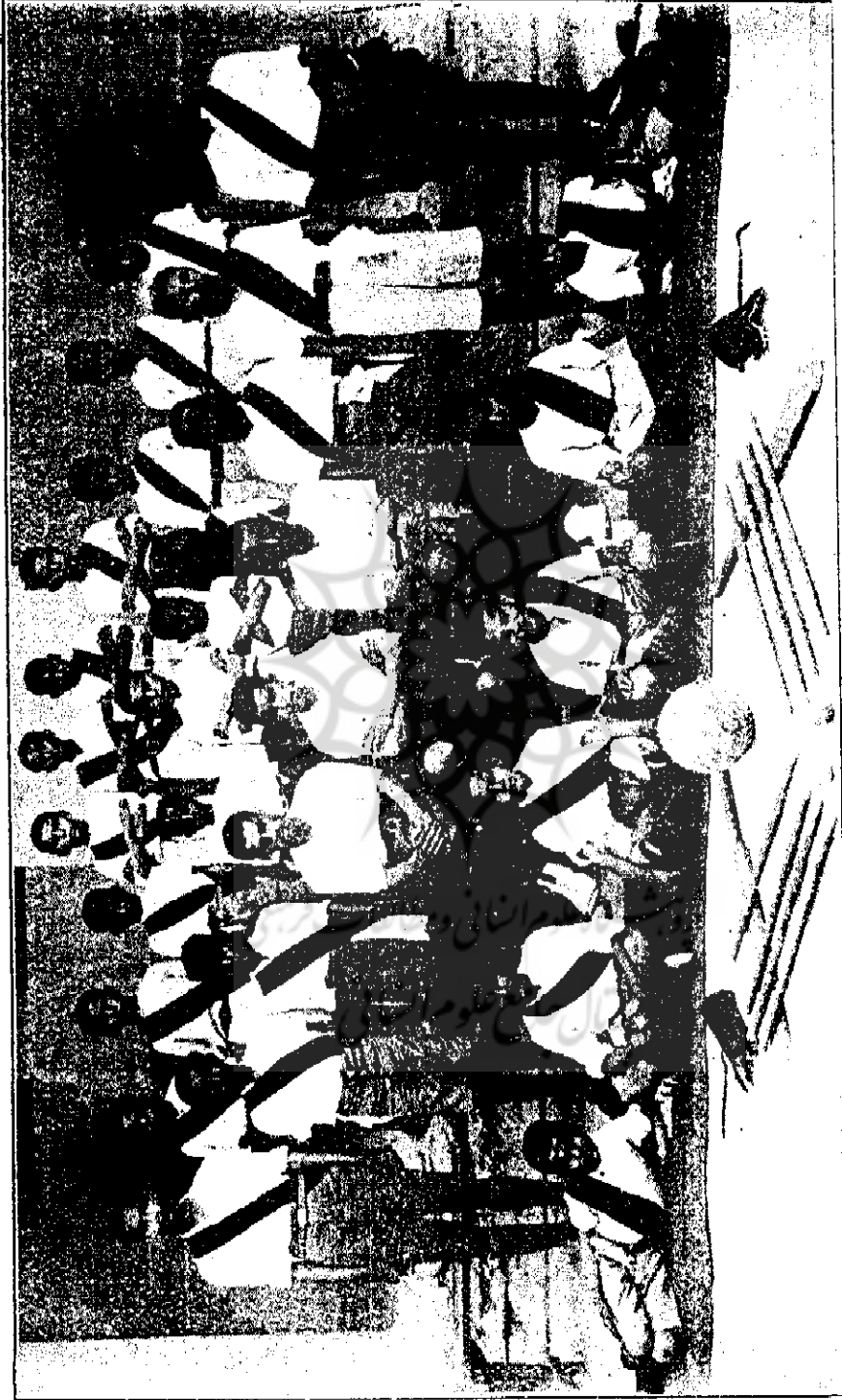
هر شاگردی که داخل مدرسه میشود روز دخول باید لباس رسمی دبستان که عبارت از کت و شلوار است با کلاه ایرانی پوشیده باشد و ظرف آب خوری (بیالۀ آلومینیوم) داشته باشد یا همانوقت وجه قیمت لباس و کلاه و ظرف تسلیم صندوق مدرسه کند تا از طرف مدرسه برای او تهیه شود.

در اطاق درس شاگردان نباید جلو معلمین یا اشخاص دیگر برخیزند، هر وقت مدیر وارد اطاق درس جهت تفتیش میشود معلم جلو او برمیخیزد، بهم چنین برای اشخاصیکه جهت دیدن

اطاق درس بیایند معلم که ریاست اطاق را دارد برمیخیزد. بعلاوه هر روز صبح قبل از شروع بدرس بیست دقیقه صرف نظفیش نظافت شاگردان و انتظام لباس و کارهای شخصی میشود، و هر روز نمره نظافت میگیرند اگر شاگردی چرك باشد یا آنکه دستمال نداشته و لباسش بروش زده به نسبت تقصیرش در تحت «مجازات عدم انتظام» چند نمره از مجموع نمرات دروس هفته‌اش کم میشود بعبارت اخیری پیشنهاد آقای جمال زاده مندرجه در شماره چهارم سال سوم مجله ایران‌شهر بوزارت علوم کاملاً در دبستان فردوسی مجری شده پیش از آنکه وزارت معارف تصویب کند. محصلین هر روز عصر بعد از فراغت از درس قریب يك ساعت و نیم مشغول ورزش از قبیل فوتبال، هاکی، ژیمناستیک و مشق نظام میشوند. پس از آن زنگ تعطیل زده مدرسه تعطیل میشود.

### ۳ مدرسه<sup>۴</sup> اخوت اسلامی در بهمنی

بوشهر دارای چهار مدرسه است که اطفال شهری در آنها مشغول تحصیل هستند ولی در يك فرسخی بوشهر مشهور به «بهمنی» که ساکنین آنجا دُر از شهر و اطفال بومی اوقات خود را به بطالت و بیکاری گذرانیده یا آنکه بامورات پست مستخدم و مشغول بودند جمعی از معارف‌پرووران اعضای انجمن اخوت بوشهر برای تربیت اطفال آن سکنه در صدد بر آمده و مجدانه باستعانت اهالی مشغول تشکیل يك باب مدرسه در آنجا گردیده که تا يك اندازه اطفال صغیر بومی در آنجا سرگردان نبوده و مشغول تحصیل شوند. این بود که بحمدالله والمنه در یوم غره شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۴۲ يك باب مدرسه بنام «مدرسه اخوت اسلامی بهمنی» تشکیل



هیئت ورزشندگان مدرسه اخوت اسلامی در مهمی نزدیک بوشهر

و از آن روز مجدانه در تربیت و تعلیم اطفال آنجا موفق گردید. این مدرسه دارای سه کلاس و اخیراً نیز تصویب گردیده که پس از امتحان سالیانه شاگردان که عجلتاً مشغول و تا اول ماه تیر ختم خواهد شد کلاس چهارم نیز برای شاگردانی که از امتحان بیرون می‌آیند تشکیل شود.

بودجه این مدرسه مرکب است از اعانه مختصری که از طرف انجمن اخوت بوشهر جمع و ماهی بالغ بر چهارده تومان میشود و حق‌التعلیم شاگردان که ماهی چهار قران است ولی با این بودجه قلیل مدرسه هر ماهه دچار کسر دخل شده اگر چه از طرف دولت عایدات نو اقلی از محل خیریه که توسط اداره جلیله مالیه به شورای معارف بوشهر رسیده و در آنجا از روی نسبت کسر دخل سایر مدارس شهری با استثنای مدرسه سعادت تقسیم میشود. سهمیه این مدرسه خیلی قلیل و بهیچوجه جبران کسر دخل ماهانه آنرا نمینماید. تا کنون دولت نیز در صد یک مستمری که اسباب رفاهیت بودجه مدارس بنادر مخصوصاً این بندر مهم و سرحد ایران باشد بر نیامده ولی وکلای این مدرسه بهر نوع بوده جلوگیری از انهدام این بنیان سعادت نموده و در نهایت جدیت مشغول اداره نمودن آن هستند.

تحصیلات محصلین این مدرسه از روی نظامنامه و دستور معارف و ترتیب کلاسها بطرز جدید در جریان است. شاگردان هر روزه مشغول مشق و ورزشهای بدنی نیز هستند و عده از محصلین و معلمین کلوب ورزشی نیز در خود مدرسه تشکیل داده‌اند (۱)

از طرف و کلاء مدرسه بهمنی م. غلام حسین منشی

[۱] سه تومان مخارج چاپ عکس این مدرسه را آقای نور رضا مرحمت کرده‌اند. [ایران‌شهر]